

دردها و شکوائیه‌های اجتماعی و فرهنگی در دیوان قصاید و غزلیات عماد فقیه کرمانی

چکیده

آثار ادبی به ویژه شعر شاعران، بازتابی از اوضاع اجتماعی و فرهنگی عصر آنهاست. از آنجا که هنرمندان دیده‌ای تیزبین و اندیشه‌ای ژرف‌نگر دارند، با دقت بیشتری اوضاع جامعه را کنکاش کرده و نابسامانی‌های آن را در اثر خود جلوه‌گر می‌سازند. در ادب فارسی بیان این کمبودها، نابسامانی‌ها و نارضایتی‌ها را «شکوائیه» نامیده‌اند. این نوع شعر به‌خصوص در ادبیات فارسی جایگاه قابل توجهی دارد. عماد فقیه کرمانی از شاعران برجسته قرن هشتم هجری است که اشعار زیبایی در قالب قصیده و غزل دارد. بررسی «شکوائیه» به عنوان یک مضمون در آثار وی می‌تواند نقش مهمی در بازشناسی وضعیت اجتماعی این دوره داشته باشد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که در دیوان عماد فقیه کرمانی، شاعر به طرز هنرمندانه، این شکوائیه‌ها را مطرح کرده و از اوضاع جامعه زمان خود، انتقاد کرده است. با تأمل در شکوائیه‌های عماد فقیه می‌توان به این موضوع پی برد که اوضاع سیاسی حاکم بر عصر شاعر، بیشترین عامل نارضایتی او بوده است. این نارضایتی با مضامینی چون خوار بودن درویشان و نیازمندان، احساس بی‌ارزشی، حقارت فضل و هنر، انتقاد از ساختار و کارگزاران سیاسی بازتاب یافته است.

اهداف پژوهش

۱. آشنایی با جایگاه شکوائیه‌های اجتماعی و فرهنگی در شعر فارسی.
۲. بررسی بازتاب شکوائیه‌های اجتماعی و فرهنگی عماد فقیه کرمانی در دیوان او.

سؤالات پژوهش

۱. شکوائیه‌های اجتماعی و فرهنگی در محتوای شعر فارسی چه سهمی داشته است؟
۲. شکوائیه‌های اجتماعی و فرهنگی عماد فقیه کرمانی چه بازتابی در دیوان او داشته است؟

واژگان کلیدی: عماد فقیه کرمانی، شکوائیه‌های اجتماعی و فرهنگی، دیوان شعر.

۱. مقدمه

عماد فقیه کرمانی (۶۹۰-۷۷۳ ه.ق)، از شاعران سبک عراقی است که مشهور به «عماد فقیه» و متخلص به عماد است. او از شاعران قرن هشتم هجری و معاصر با ابوسعید بهادرخان ایلخانی و ابوشجاع مظفری است. عماد کرمانی صاحب دیوان ارزشمندی است که با توصیفات و کاربرد صورخیال اثر خود را تبدیل به یکی از زیباترین دیوان‌های مصور فارسی ساخته است. او مقارن با دوره ایلخانی (۶۵۱-۷۳۶ ه.ق) زیسته است؛ دوره‌ای که جامعه ایران هنوز درگیر خرابی‌های حمله مغول، و ویرانی‌های اقتصادی ناشی از آن بود. با توجه به اینکه آثار ادبی تا حدی زیادی انعکاسی از احساسات شاعر به وضعیت سیاسی و اجتماعی عصر خویش است، بنابراین ضرورت بررسی شکوائیه‌های اجتماعی و فرهنگی عماد فقیه کرمانی در دیوانش مطرح می‌گردد. مسئله‌ای که می‌تواند دیوان مصور کرمانی را به یکی از منابع معتبر تاریخی در بازشناسی حیات فرهنگی و اجتماعی دوره ایلخانان مغول تبدیل سازد. دیوان او سرشار از تصویرسازی با واژه‌ها و مفاهیم است. او موفق شده خیال‌های خود و تجارب حسی خود را نظام ببخشد و آن‌ها را در قالب تصاویر هنری ارائه دهد. این امر را با تکیه بر نیروی تخیل انجام داده است. نیرویی فعال که قادر است تصاویر منفعل را سازماندهی کند. خیال‌ها برای آن‌که عینی و ملموس گردند، در واژه‌ها فشرده شده و نام تصویر به خود می‌گیرند. در اشعار عماد کرمانی تصاویر شعری بسیار خاص بوده و جالب توجه است.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال پژوهش‌هایی به بررسی ویژگی‌های شعری کرمانی پرداخته‌اند. مقاله‌ای با عنوان «صورخیال در دیوان عماد فقیه کرمانی» توسط هادی عبدلی در سال ۱۳۹۴ به رشته تحریر در آمده است. نویسنده در این پژوهش به بررسی چگونگی آفرینش صورخیال در دیوان عماد فقیه کرمانی پرداخته است و بر آن است که تشبیهات در اشعار کرمانی انواع گوناگونی دارد و کرمانی بیشتر از عوالم معقول به تصاویر عوالم محسوس پرداخته است. عماد فقیه برای توضیح و تبیین اندیشه‌های خود بیشتر به استعاره توجه داشته و برای این منظور از استعاره مصرحه و مکنیه بهره جسته است (عبدالی، ۱۳۹۴: ۲). پژوهشی دیگر با عنوان «محبت‌نامه و مناظره‌های خواجه عماد» توسط محمدحسین خسروان در سال ۱۳۷۹ به رشته تحریر در آمده است که مؤلف در این اثر به بررسی وجهی از اشعار عماد فقیه پرداخته است. عماد فقیه به اخلاق پسندیده در ایران معروف بود و آثارش نشان از آزاد نظری، بلندپروازی او دارد. شهرت عماد سبب شده تا حافظ بارها از شعر او تتبع نماید (خسروان، ۱۳۷۹: ۳). آثار یادشده هیچ یک به بررسی مضمون شکوائیه در دیوان شعر عماد فقیه کرمانی نپرداخته‌اند لذا پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و از طریق مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی این موضوع در دیوان مصور عماد فقیه کرمانی پرداخته است. در این پژوهش به بررسی شکوائیه‌های اجتماعی و فرهنگی که در دیوان عماد فقیه کرمانی، منعکس شده، پرداخته شده است. عماد فقیه کرمانی، با بیانی هنرمندانه، از اوضاع فرهنگی و اجتماعی حاکم بر روزگار خود گلایه کرده و اعتراض خود را نسبت به این گونه مسائل به گوش همگان رسانده است.

نتیجه‌گیری

مضامین آثار ادبی ارتباط مستقیمی با وضعیت زندگی فرد خالق اثر و مسائلی دارد که با آن مواجه است. با توجه به این‌که هیچ جامعه‌ای خالی از خلل و بی‌نظمی نیست، این امر سبب شده است تا مضمون شکوائیه تبدیل به یکی از مضامین ثابت در شعر فارسی گردد. در این میان برخی از مقاطع تاریخ نابهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی افزایش یافته است. یکی از این مقاطع در تاریخ ایران دوره مغولان و قرن بعد از آن بود. عماد فقیه کرمانی در چنین قرنی می‌زیست و به همین هم دیوان او به اثری تبدیل شده که شکوائیه‌های بسیاری در آن به چشم می‌خورد. شکوائیه‌ها، ندای درون شاعر است و منشأ آن‌ها فردی و یا اجتماعی است. نوع و میزان آن‌ها بستگی به میزان حساسیت شاعران در مقابل ناملایمات، ناکامی‌ها، اوضاع اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند و همچنین تأثیرپذیری‌شان از محیط اطراف دارد. با توجه به شواهدی که در این مقاله ارائه گردید می‌توان به این نتیجه دست یافت که عماد فقیه، شکایت‌های فراوانی از اوضاع جامعه زمان خود سر داده است. شکوه‌هایی که روزگار را بر او تلخ ساخته، تنها به گلایه‌های او از مرارت‌های زندگی روزمره محدود نمی‌شود؛ بلکه او بنا به رسالت انسان‌دوستی و عدالت‌گستری خویش هرگز نمی‌توانسته در مقابل بی‌عدالتی‌ها، نابرابری‌ها و ستمی که بر مردم روا داشته می‌شده بی‌تفاوت باشد. شکوه عماد فقیه از دهر، بخت، فلک و ... در حقیقت شکوه از همین ظلم و ستم‌هاست. بدیهی است که این نوع شکوائیه‌ها، انعکاسی از افکار عمومی است که شاعر با زبان خود به بیان آنان می‌پردازد. آنچه در جامعه روزگار عماد فقیه می‌گذرد با جامعه ایده‌آل و آرمانی شاعر که مبتنی بر عدالت و مساوات است بسیار متفاوت است. از همین روست که شاعر را به شکوه و شکایت وا می‌دارد. هر چند کسانی به دشمنی با او برخاسته‌اند و عماد گهگاه از آنان نیز گله‌مند است. با توجه به مسائل گفته شده می‌توان چنین استنباط کرد که با بررسی شکوائیه‌های عماد فقیه، می‌توان به خوبی با شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر عصر شاعر آشنا شد و همچنین از طریق تشریح شکوائیه‌های شاعر، می‌توان به درک بهتری از اشعار او رسید.

منابع

بهار، محمدتقی (۱۳۸۷)، دیوان، تهران: انتشارات نگاه.

حافظ شیرازی (۱۳۸۳)، دیوان، به اهتمام محمدقزوینی و دکتر قاسم غنی، تهران: کتابفروشی زوآر.

حاکمی، اسماعیل (۱۳۸۶)، تحقیق درباره ادبیات غنایی ایران و انواع شعر غنایی، تهران: دانشگاه تهران.

خاقانی شروانی (۱۳۸۰)، دیوان، به اهتمام جهانگیر منصور، تهران: انتشارات نگاه.

خسروان، محمدحسین (۱۳۷۹)، «محبّت نامه و مناظره‌های خواجه عماد»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۲۸، صص ۷۷-۶۵.

دولتشاه سمرقندی (۱۳۸۲)، تذکره الشعراء، تصحیح ادوارد براون، تهران: انتشارات اساطیر.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.

رزمجو، حسین (۱۳۸۲)، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

رودکی، جعفر بن محمد (۱۳۸۷)، دیوان، تهران: امیرکبیر.

سنایی غزنوی، مجدود (۱۳۸۴)، دیوان، تصحیح و شرح محمد بقایی، تهران: اقبال.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۳)، انواع ادبی، تهران: فردوس.

صائب تبریزی (۱۳۶۷)، دیوان، به کوشش محمد قهرمان، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، انتشارات علمی فرهنگی.

صفارزاده، طاهره (۱۳۸۴)، روشنگران راه، تهران: ناشر برگزیتون.

ظفری، ولی‌الله (۱۳۷۵)، حبسیه در ادب فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

عماد فقیه کرمانی (۱۳۴۸)، دیوان، تهران: انتشارات ابن سینا.

عبدلی، هادی (۱۳۹۴)، «صورخیال در دیوان اشعار عماد فقیه کرمانی»، پایان‌نامه، اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی.

فراهانی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۸۳)، دیوان، تهران: نگاه.

قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۵۳)، دیوان، تصحیح دکتر محقق‌مینوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کسایی مروزی (۱۳۸۵)، دیوان، تهران: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر.

مسعود سعد (۱۳۳۹)، دیوان، تصحیح رشید یاسمی، تهران، ابن سینا.

معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی، تهران: اشجع.

مؤتمن، زین‌العابدین (۱۳۶۴)، شعر و ادب فارسی، چاپ دوم، تهران: زرین.

مؤتمن، زین‌العابدین (۱۳۷۱)، تحول شعر فارسی، چاپ چهارم، تهران: کتابخانه طهوری.

مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۵۷)، کلیات مثنوی معنوی، به تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، چاپ هشتم، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.

یاحقی، محمد جعفر (۱۳۸۴)، بـثّ الشکوی، فرهنگنامه ادبی فارسی، به سرپرستی حسن انوشه، ج ۲، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی.

یوشیج، نیما (۱۳۸۸)، مجموعه اشعار، تهران: نگاه.

سرامی، قدمعلی، ۱۳۸۹، بـثّ الشکوی،

<http://www. Encyclo paedia islamica. com/ madkhal PHP sid=492>